



## حقوق بشر یک هفته ای

فواد عبداللهی

تنها یک هفته از دیدار ریس اتحادیه اروپا و خانم مرکل از کمپ آوارگان جنگی در سوریه و کشف "حقایق" حقوق بشر در این اردوگاه ها گذشته است. تنها یک هفته از اعلام "پیروزی" دژ اروپا در کنترل و سد کردن فرار محکومین به مرگ در سوریه به کمک دولت فاشیست ترکیه میگردد. تنها یک هفته از یک معادله قومی کثیف میگردد: آخر قرار بود در ازای سد کردن موج فراریان سوری به سمت اروپا، آقای اردوغان از پیش اتحادیه اروپا با یک جعبه شیرینی حاوی معافیت "ترک"ها از اخذ ویزا در حوزه شینگن، به ترکیه بازگردد. هنوز یک هفته هم نشد که اعلام کردند که بله "امنیت" به کمک دولت "بشر دوست" ترکیه برقرار شد که ناگهان یکی از این کمپها که از قضا در نزدیکی مرز ترکیه قرار دارد و "میزبان آوارگان جنگ داخلی سوریه" است مورد هجوم موشکی نیروهای اسد قرار گرفت و دهها کشته به جا گذاشته است.

تعرض آشکار به فرایان از جنگ و حقوق پناهندگی از جانب غرب در این روزها، حکم یک تیر و دو نشان دارد: از یک طرف میخواهند سیم خاردار به اطراف مرزهای خود بکشند و دامنه تخریب و فاشیسم را تنها در محدوده خاورمیانه نگه دارند. جایی که از نقطه نظر دول غرب باید مردم این خطه با آن بسوزند و بسازند و بهای هزیمت میلیتاریسم ناتو را بپردازند. از طرف دیگر، ریاضت اقتصادی تحمیل شده به طبقه کارگر و مردم محروم جوامع غربی را باید دور بزنند و از در "بحران پناهندگی" و کیس سوریه در حمله به استانداردها و حقوق پایه ای شهروندان و پناهندگان وارد شوند. مردم اروپا بحق نگران عروج سناریوی سیاه در خاورمیانه و ترکش فاشیسم هستند. تنها امید، تکان خوردن سوسیالیستی طبقه کارگر اروپا است.



## اول مه و بازگشت به سنت سوسیالیستی

خالد حاج محمدی

اول مه ۹۵ پایان یافت. در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دیگر مدتها قبل از اول مه بحثها و جلسات مختلف و جدالهای زیادی در مورد چگونگی پیش برد این روز و این مناسبت کارگری در جریان بود. مراسمها و جمع و جشن و تحرکات مختلفی صورت گرفت که در ادامه به آن اشاره ای خواهم کرد. دو طرف این ماجرا هم کارگران و فعالین کارگری و کمونیستها و چپها و...، و هم جمهوری اسلامی و ارگانهای ضدکارگری آنها قرار داشتند. مستقل از اینکه جزئیات بحث و جدلهایی که در این دوره خصوصا

## "امنیت و آزادی" آنها؛ امنیت و آزادی ما!

فواد عبداللهی

"نباید نقاد را زندانی کرد... باید امنیت و آزادی آنها را تضمین کرد"، از اظهارات اخیر روحانی است. ۱- چپ چپ نگاهش نکنید، چون این گزاره در برخی مواقع درست است. میپرسید کی؟ مثلا وقتی که "نقاد" را نسبت به "احشام" بسنجیم و اظهارات آسید را به این صورت اصلاح کنیم: "نباید احشام را زندانی کرد... باید امنیت و آزادی شان را تضمین کرد..."

در این صورت پس از تحقیق در قوانین جمهوری اسلامی، میتوان

این اظهارات را درست و معنادار بحساب آورد. بله دوستان! مشکل اینجاست که ما همیشه نسبت ها را فراموش میکنیم و بیخود و بی جهت حکم به درندگی این قوانین و چهار دهه استبداد و خفقان تحمیل شده میدهیم. در مملکتی که از کارخانه ها تا دانشگاه ها تا آرایشگاه و کافی شاپ های محلاتش چنان جوک ها و طنزهای نیشداری نثار قوانین و مقدسات دولت میکنند، حرفهای روحانی هم در باب "آزادی و امنیت"، بردی بیشتر از یک جوک ندارد. حقیقتا تنها جمهوری اسلامی می

## شهروند جهانیم!

## کمپین بین المللی دفاع از حق فرارو پناهندگی



کارگران کمونیست و همه آنهایی که تلاش کردند اول مه را به عنوان سنتی سوسیالیستی و کارگری در جای واقعی خود قرار دهند و اینکه این تلاش به کجا رسید، لازم است به خود این صف بندیها هم اشاره کرد. ... صفحه ۳

توانست مردم ایران را اینگونه ضد مذهب و قوانین منسوخ شریعت کند و آنان را در دیگ هفت جوش تفکر بیندازد. دهن کجی به قوانین و مقدسات، دیرزمانی است که شمایی از آغاز غروب ایدولوژیک تان است. با رخت و لباس حاکمیت اسلام، صحبت از "آزادی و امنیت" در جامعه، حتی برای آن صنف نویسنده و "نقاد" قانونی و مجازی که از منظر جناب ریس جمهور و مقام معظم در ردیف احشام هستند، پوچ و بی معنا است. تنها به موقعیت دو مقام منتقد در صف خودشان، ریس جمهور و نخست وزیر سابق، آقایان خاتمی و موسوی نگاه کنید، ... صفحه ۴

# آزادی برابری حکومت کارگری

# شهروند جهانی!

## کمپین بین المللی دفاع از حق فرار و پناهندگی

مقدمه:

هنوز آخرین قربانیان جنگ جهانی دوم چشم بر جهان بسته اند، که میلیونها قربانی جدید ماحصل بمباران عراق و جنگ سوریه و تخریب لیبی، درد و رنج آنان را تجربه میکنند، خانه ها، مدرسه ها و بیمارستانها و شهرهای ویران شده را پشت سرمیگذارند تا شاید خود و کودکانشان از این جهنم دست ساز قدرتهای جهانی و منطقه ای جان سالم بدر برند.

ابعاد فاجعه انسانی اخیر چنان عظیم است، که در کشورهای همجوار نیز شاهد تداوم درد و رنج پناهیجویان و گریز آنها بسوی کشورهای اروپائی، در ابعاد میلیونی، هستیم.

غرق شدن کودکان پناهجو در آبهای سواحل اروپا، نوک کوه یخ تراژدی عظیم انسانی در حال وقوع را بنمایش گذاشته است. پاسخها به این فاجعه عظیم انسانی قرن، متفاوت است.

از سودجویی سوداگران محلی و بین المللی تا مقابله ها و سیاستهای ضد انسانی دولت های درگیر علیه فراریان و کمک رسانی نهادهای مردمی به آوارگان در مسیر این کوچ اجباری، همه و همه واقعیات تلخی است که ما را برآن داشت تا بسهم خود حرکتی را سازمان دهیم و از زندگی و حرمت انسانی این شهروندان کره خاکی دفاع کنیم.

امان کفا، ثریا شهابی

۴ مه ۲۰۱۶

### شهروند جهانی!

#### کمپین بین المللی دفاع از حق فرار و پناهندگی

سند تاسیس

۱- "شهروند جهانی"، نهادی مستقل (غیردولتی) و غیرانتفاعی است که برای دفاع از حقوق انسانی و مدنی همه فراریان از جنگ، فقر، اختناق، تبعیض و بی تاملی، و حق سفر و نقل مکان آنها به جغرافیاهایی امن، تاسیس شده است.

فرار و جابجایی انسانها در سراسر کره خاکی، نه پدیده ای ملی، محلی، منطقه ای، که جهانی است. "شهروند جهانی"، قدرت های جهانی، منطقه ای و کشوری را مسئول مستقیم جمعی مصائب میداند که مردم را به فرار و جابجایی مجبور میکند.

ما کمیساریای عالی امور پناهیجویان سازمان ملل UNHCR را موظف میدانیم که برای جلوگیری از سوءاستفاده سوداگران، خود راسا اقدام نموده و شرایط انتقال آوارگان را به مناطق و کشورهای امن فراهم نماید. هزینه مالی تامین امکانات انتقال فوری نیز باید از خزانه قدرت های بزرگ و دولت های باعث و بانی این مصائب پراخت شود.

۲- "شهروند جهانی"، سازمان ملل، نهاد های بین المللی و دولت ها را مسئول نجات و انتقال همه کودکان و افراد زیر شانزده سالی میداند، که به هرلیل سرپرست خود را از دست داده یا بر اثر مصائب بالا آواره شده اند. ما دولت ها و نهادهای بین المللی را

مسئول فوری تامین مناسب ترین شرایط امن، سکونت و زندگی، مطابق با استانداردهای متوسط زندگی در جوامع پیشرفته، برای همه کودکان و افراد زیر شانزده سالی که فراری و آواره شده اند، میدانیم.

۳- "شهروند جهانی" هم از لحاظ دیدگاه و هم از لحاظ دامنه فعالیت هایش کمپینی بین المللی است. ما در دفاع خویش از حق فرار و پناهندگی هیچگونه مانع و محدودیت جغرافیایی، سیاسی، ملی، قومی، فرهنگی و مذهبی را به رسمیت نمی شناسیم. ما حق فرار و پناهندگی را جهانی و جهانشمول می دانیم. شهروند جهانی برای بهبود وضعیت همه فراریان و پناهیجویان در سراسر جهان، مبارزه میکند و رفع موانع فرار از این مصائب و حمایت از آواره گان را اولویت خود میداند. "شهروند جهانی" تلاش دارد دامنه فعالیت هایش را به تعداد هرچه بیشتری از کشورها و جوامع گسترش دهد.

۴- "شهروند جهانی"، کمپینی همگانی و مردمی و نهادی غیر دولتی است که همه علاقمندان را به همکاری دعوت می کند. همه کسانی که در مورد سرنوشت فراریان از جنگ و تبعیض و فقر و بی تاملی احساس مسئولیت میکنند، میتوانند عضو و یا فعال "شهروند جهانی" باشند.

۵- "شهروند جهانی" در مبارزه برای احقاق حقوق آواره گان و پناهیجویان، همه امکانات و راه های قانونی ممکن، از فعالیت بعنوان یک گروه فشار روی دولتها و نهادهای بین المللی ذیربط تا فراخوان دادن میتینگ ها و تظاهرات ها و سازماندهی عمل مستقیم مردم، را بکار میگیرد.

۶- "شهروند جهانی"، بیش از هرچیز

بر حمایت و کمک های مالی مردمی متکی است که خود را در فعالیت های این کمپین شریک می بینند. با این وجود "شهروند جهانی"، از هر کمک نهادهای دولتی و غیردولتی که خواهان حمایت از فعالیت های آن باشند استقبال میکند.

۷- "شهروند جهانی" نهادی غیر انتفاعی است. به استثنا معدودی مسئولین تمام وقت، بعنوان یک قاعده عمومی تمام فعالین شهروند جهانی، داوطلبانه کار میکنند.

به "شهروند جهانی" پیوندید!

weworldcitizen@gmail.com

"شهروند جهانی"، کمپین

همگانی و مردمی و نهادی

غیر دولتی است که همه

علاقمندان را به همکاری

دعوت می کند.

همه کسانی که در مورد

سرنوشت فراریان از

جنگ و تبعیض و فقر و بر

تاهینی احساس مسئولیت

میکند، میتوانند عضو و یا

فعال "شهروند جهانی"

باشند.

# کارگران جهان متحد شوید!

## اول مه و ...

## جبهه متحد بورژوازی

جمهوری اسلامی مانند همه سالهای دیگر برنامه و جهت خود را در اول مه داشت. ابزارهای تبلیغاتی و ارگانهای "کارگری" خود را جلو انداخت. تلاش کردند با همه توان ضمن اینکه مراسم خود را حساب شده و کنترل شده بگذارند، هر نوع ابراز وجود دیگری را برسمیت نشناسند. تلاش کردند پلیس و امکانات مختلف خود را بکار اندازند تا مراسم شان در امن و امان و بدون اینکه امکانی برای ابراز وجود هیچ کارگر معترضی باز شود، آنرا پیش ببرند. تلاش کردند این مراسمها را به عنوان تنها امکان ابراز وجود قانونی به همه بقبولانند و همه را متوجه کنند که یا خانه کارگر یا هیچ! جمهوری اسلامی سالها است با این مشکل طرف است که نمیشود هیچ امکانی را برای ابراز وجود کارگر در اول مه باز گذاشت و خیال راحتی داشت که میتوان اوضاع را کنترل کرد و اتفاقی نیفتد. مراسمهای خانه کارگر با هدف ممانعت از برگزاری اول مه و ابراز وجود مستقل کارگران سازمان یافته است. خانه کارگر و کل بازوی "کارگری" جمهوری اسلامی تلاش کردند به هر میزانی که توان فریب دارند، کارگر را به دفاع از دولت و آشتی با بورژوازی ایران بکشانند. همین ها سال گذشته دشمنی با بخشی از طبقه کارگر ایران، دشمنی با کارگران منتسب به افغانی را شعار خود کردند و امسال هم دفاع از دولت روحانی و بیت رهبری و اقتصاد مقاومتی، که البته علیرغم تدابیر و هزینه ای که کردند، نیروی زیادی را نتوانستند فریب دهند. مراسمهای خانه کارگر چنان دولتی و ضدکارگری بود که حتی کسانی که از سر توهم به امکان ابراز وجود مستقل خود، تلاش کردند با شعار خود در آن شرکت کنند نه تنها

اجازه حضور نیافتند که تعدادی هم دستگیر شدند.

## مراسمهای مستقل اول مه

مراسم مستقل کارگری مثل سالهای قبل نه تنها ممنوع بود که از قبل اقدامات امنیتی برای ممانعت از هر نوع ابراز وجود مستقلی صورت گرفته بود. تهدید فعالین کارگری و سوسیالیستها به روال همیشگی از جانب ارگانهای مختلف از مراکز اطلاعاتی تا فرمانداریها و سایر ارگانهای رسمی در جریان بود. با این وصف هم بر اساس اخبار منتشر شده و هم گزارشی که به حزب رسیده است، در بسیاری از شهرهای ایران مراسمهای مختلفی از جمعهای خانوادگی تا مراسمهای کارگری علنی، گلگشت های کارگری، جشن و سخنرانی، صدور بیانییه های مختلف از جانب تشکلهای موجود تا ابراز وجود خیابانی و راهپیمایی در جریان بود. اول مه امسال هم، علیرغم فضای امنیتی، به دانشگاهها و برنامه های سخنرانی و... از جانب دانشجویان کشیده شد. واقعیت این است که مراسمها و جشن و تجمعات کارگری فراتر از آن چیزی بود که در اطلاعیه ها و اخبار مختلف منتشر شده است.

امسال نیز مراسمهای اول مه رنگ جدالی قدیمی در میان فعالین کارگری، دوستداران کارگر و جمع و گروهها و حتی احزاب سیاسی چپ مختلفی را بر خود داشت. سنتی که سایه و تاثیر قدیمی تر احزاب و جریانات غیر کارگری در جامعه است و بخشا بر خود فعالین این طبقه هم تاثیراتی داشته است. سنتی که به بهانه اول مه و روز کارگر دست به تحركات آکسیونی و محدود و غالباً بدون توجه به توازن قوا میزند و به محلی برای اعتراض جوانان، چپها و ناراضایان از اقتدار مختلف جامعه تبدیل میشود. این سنت دوره اخیر در سیاست ایران به دلایل مختلفی که اینجا

فرصت پرداختن به آن نیست، در بن بست قرار گرفت و در پراتیک اجتماعی نیز وضع بهتری نداشت. لذا و در دل اول مه این سنت نیز بخشا حتی با سولاتی از جانب فعالین خود طرف شد و به درجه ای فضای بهتری برای ابراز وجود واقعی کارگر فراهم بود.

اول مه امسال با همه محدودیتها، با همه فشارهای سنتهای غیر کارگری و علیرغم فشارهای جمهوری اسلامی، جوانه زدن سنتی دیگر و کارگری تر از آنچه که در یکی دو دهه اخیر به نام اول مه صورت میگرفت نمایان شد. سنتی که تلاش داشت اول مه را در جایگاه واقعی خود به عنوان یک سنت کارگری و سوسیالیستی بنشانند. بی شک دامنه اول مه و جشن و مراسمهای کارگری بدلائل مختلف و از همه مهمتر توازن قوای جامعه محدود بود. اما آنچه مهم و ارزشمند بود این واقعیت است که از طرفی اهداف جمهوری اسلامی و خانه کارگرش تحقق نیافت. خانه کارگر و جمهوری اسلامی تلاش کردند روز اول مه را از کارگر بگیرند و به عنوان تنها امکان از آن سواستفاده کنند و کارگران را با بیان چند مطالبه کارگری و غرولندهای رایج به دفاع از دشمنانش، به دفاع از جمهوری اسلامی و ولی فقیه و دولت روحانی بکشانند. این به نتیجه نرسید و در گوشه و کنار این مملکت انواع جمع و محافل و مراسمهای مختلف برگزار و به دولت روحانی و خانه کارگرش تحمیل شد.

بعلاوه امسال جوانه های یک سنت کارگری و طبقاتی نمایان شد. مراسمهای کارگری و جشن و سخنرانیها و اعلام همبستگی جهانی و انگشت گذاشتن بر اینکه کارگران در سراسر جهان هم طبقه و هم منفعت هستند، تلاش برای تبدیل این مراسمها به محل جمع شدن کارگران و خانواده های آنها، وجه مهم اول مه امسال بود. این اتفاق هر چند ابعاد و دامنه آن محدود بوده باشد، هر چند

نتوانست بخش قابل توجهی از کارگران را در مراکز کارگری، در محلات و شهر و.. دور هم جمع کند، اما ارزشمند و قابل توجه است.

بدون تردید جشن و مراسمهای کارگری امسال بیان تنها یک گوشه بسیار کوچک از توان و نیروی طبقه کارگر ایران بود و اما همین تحركات و تلاش برای بازگرداندن اول مه به روز جشن خود کارگران، به روز جمع شدن آنها و به روز تقویت همبستگی و همدلی و رفاقت کارگری، به روز اعلام یکی بودن و یک طبقه بودن، قابل ارجح است.

اول مه تمام شد و اما همینجا باید دست همه کسانی که تلاش کردند، جدل کردند و قانع کردند و نیرو جمع کردند تا طبقه کارگر ایران در هر محدوده و در هر اشلی به زبان خود سخن بگوید را فشرده. این نقطه شروع را باید وسعت داد و برای تقویت سنتهای کارگری و کمونیستی کوشید. این اول کار جنبشی است که جز افق انقلاب کارگری اهداف دیگری ندارد و برای تامین نیروی این انقلاب مستمر برای خودآگاهی و اتحاد این طبقه، برای تقویت همسرنوشتی آن و برای رشد محافل کارگران کمونیست و ارتقا تحزب آن به عنوان لولای اتحاد کل طبقه کارگر و به عنوان تکیه گاه و ستون فقرات یک جنبش عظیم سوسیالیستی کارگری میکوشد.

«شورر فاه، آزادی»

و امنیت مردم

ایران

را بدست گیرید!

مرکب بر جمهوری اسلامی!  
زنده باد سوسیالیسم!

**”آزادی و امنیت“ آنها، ...**

تا تنها گوشه ای از مضحک بودن داعیه های جناب رییس جمهور را لمس کنید. اینها تنها در مقابل نسخه های داعشی از اسلام در منطقه، که دیروز و در دوران طلایی امام در ایران هم در جریان بود، از سر ناچاری امروز معتدل شده اند. وگرنه همگان میدانند که ”جهاد مقدس“ ضدکمونیستی ریگانی دهه ۸۰ میلادی هم یک بسته پستی به وسیله شرکت ”ایر فرانس“ برای سرکوب انقلاب ۵۷ ایران ارسال کرد که هنوز هم نه فقط ایرانیان که جهانیان از مواهب آن برخوردارند.

امروز چه چیزی تغییر کرده است؟ دوران خمینی خیال میکردند جهان یعنی کشورهای اسلامی و جهانیان هم یعنی امت اسلام. اما بعد از سه دهه و بویژه بر متن بخون کشیدن انقلاب ۵۷، فهمیدند که این جامعه اسلامی بشو نیست و راه قدس لزوما از کربلا نمی گذرد! می شود به جای کربلا، پاریس و کاخ الیزه را هم زیارت کرد. بی جهت نیست که روحانی راه ۵۰ ساله توسعه ایران را در ۵ سال به کمک ”خارجی“ها (بخوان بر دوش استعمار، فلاکت و بی حقوقی طبقه کارگر ایران) در تصوراتش می پیماید.

چه فرقی می کند؟ قلب زائر و تاجر باید پاک باشد و ”آزاد“. حال چه دوران ”بدخیم“ امام و سرکوب بی رحمانه کارگران، کمونیستها و انقلابیون ۵۷ باشد چه دوران تعامل و اعتدال و بیکاری و مهندسی فلاکت، هدف کماکان اقتصاد است و حفظ نظام!

به این اعتبار، ”آزادی و امنیت“ جناب روحانی بلاواسطه به آزادی و امنیت سرمایه در جامعه مربوط میشود. نزد بورژوازی ایران که در حوزه کار ارزان متولد شده، حدود و ثغور اولی در گرو تضمین آزادی عمل و امنیت دومی است. این قانون کارکرد و درجه آزادیخواهی هر دولتی است که در ایران بر سر کار باشد. ”آزادی“ تحت حاکمیت سرمایه در ایران مشروط است.

۲- روحانی تلاش زیادی میکند که اصلاح جمهوری اسلامی و اسلام بزرگ شده را به خورد جامعه دهد. ارزشهای

محدود و ارتجاعی خود را به اسم آزادیخواهی و مدنیت و امنیت به خورد جهان بدهد. حزب بی بی سی و نگهدار و حزب توده و ... و پامنبری های آنان هر روز مشغول خوراندن حب این سم متعفن به مردم و تزریق آن به پیکره جامعه اند. مشکلی با این ندارند که جمهوری اسلامی چه نسخه خمینی آن چه نسخه اعتدالی امروز آن، هنوز و همواره به معنی تحقیر و نکبت برای اکثریت مردم ایران، نابرابری و تبعیض جنسی برای زنان، عقبماندگی و خرافه پرستی، فقر و استبداد و بندگی بوده است.

بورژوازی ایران قهرمانان زیادی از این قماش به خود دیده است. نه دولت سازندگی رفسنجانی، نه اصلاحات خاتمی، نه پوپولیسم احمدی نژاد و نه دولت اعتدال روحانی و تاریکخانه هایش، آخرین مورد نخواهند بود. مردم ”عالیجنابان“ ریز و درشت، همه را خوب میشناسند و به ”قهرمانان“ این جمهوری توهمی ندارند. آنچه بسرعت دارند می آموزند اینست که خیل سیاهی لشکر تحت نام اپوزیسیون چپ و راست به طور علاج ناپذیری به همان سنتهای سیاسی و اجتماعی پوسیده ای تعلق دارند که جمهوری اسلامی را از خود بیرون داد. هر روز مسلم تر میشود که دفع این سنتها در صفوف مردم از نان شب واجبراست.

۳- همه شان میدانند که کارگر در این جامعه بی حقوق است، نه آزاد است تشکل و احزاب غیر دولتی خود را داشته باشد، نه آزاد است اعتصاب و اعتراض کند. خوب میدانند که زنان بی حقوق ترین قشر آن جامعه اند. حجاب اجباری است و یک آپارتاید جنسی تمام عیار را بر زندگی میلیونها زن حاکم کرده اند. آنوقت نگران ”امنیت و آزادی“ مردم اند؟! اینها خوب میدانند آنچه تحت نام فعالیت اتحادیه ای در کشورهای دیگر در جریان است، در ایران غیر قانونی است و با زندان و قوه قهریه و گلوله پاسخ میگردد. لیست فعالین کارگری که در دوره زمامداری دولت اعتدال جناب روحانی زندانی، شکنجه و تهدید و از کار بیکار شده و به قتل رسیده اند و تنها جرمشان تلاش برای متشکل کردن

**آزادی؛**

**(بخشی از ”مشورفاه، آزادی و امنیت مردم ایران“)**

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

- آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.

- تأمین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی- سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.

- برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابراند.

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استنکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد - مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.

- مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افسراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

محکومین، طبقه کارگر، زنان و جوانان بی آینده، آزادی و امنیت حقیقی جز با رفاه و جز با آزادی انتخاب و تجربه همه ابعاد زندگی سیاسی، شخصی و اجتماعی، بدست نمی آید. مبارزه برای تحقق این امر مقدس بر دوش کمونیست ها و جبهه آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران است. این مبارزه ای به وسعت یک تقابل آشکار و رو رو با ”آزادی و امنیت“ قسطنطنیه آقای روحانی است. باید بر تاریخ فکاهیات و خرابه های این نظم و نظام، مبارزه برای یک دنیای بهتر را سازمان داد.

کارگران و دفاع از حقوق پایمال شده شان بوده است، لیستی طولانی است. بنابر این روی جناب روحانی و محتوای آزادی و امنیت اش، به طبقه کارگر نیست. طبقه دیگری و محتوای دیگری پشت این فرمولبندی ریاکارانه پنهان است. صحبت بر سر آزادی سرمایه و امنیت سرمایه گذاری، و همچنین بازگذاشتن دست سرمایه دار داخلی و خارجی است. به این اعتبار، تا جایی که به صف مردم و محکومین برمیگردد، نزد اینها ”آزادی“ منوط به ساکت کردن محرومین، دامن زدن به تفرقه و تشتت ملی، مذهبی و جنسی در صفوف طبقه کارگر، و بالاخره قبول نظام اسلامی و قانون اساسی ننکین آن است.

نزد طیف روشنفکران کاسب و نان به نرخ روز خور ایرانی هم، این لاقیدی نسبت به آزادی ظاهرا از اشتراکات دموکراسی در همه جای جهان است. نزد

**www.hekmatist.com**  
 سردبیر: فواد عبداللهی  
**fuaduk@gmail.com**  
 تماس با حزب  
**hekmatistparty@gmail.com**